

صحيفة الزهراء عليه السلام

[320] گوهری سنگین بها از ابر گوهر بار ریخت کز غم جانسوز او خون از در و دیوار
ریخت تا ز گلزار حقایق نوگلی بر باد رفت يك چمن صرصر بیداد ز آن گلزار ریخت غنچه
نشکفته أي از لاله زار معرفت از فراز شاخساری از جفای خار ریخت اختر فرخ فری افتاد از
برج شرف کاسمان خوناب غم از دیده خونبار ریخت * * * طوطی أي زین خاکدان پرواز کرد و خاک
غم بر سراسر طوطیان عالم اسرار ریخت بسملی در خون تپید از جور جبار عنیدیا که عنقاء
ازل خون دل از منقار ریخت زهره زهرا چه از آسیب پهلوی در گذشت چشمه های خون ز چشم ثابت
وسیار ریخت مهبط روح الامین تا پایمال دیو شدشورش سرزد که سقف گنبد دوار ریخت از هجوم
عام بر ناموس خاص لا یزال عقل حیران، طبع سرگردان، زبان لال است لال نور حق در ظلمت شب
رفت در خاک أي دریغ با دلی از خون لبالب رفت در خاک أي دریغ
